

بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن

چکیده

کلمه تابو در قرن هجدهم از زبانهای پولینزیایی^۱ گرفته شده است. در این زبانها این واژه به معنای ممنوع بودن و قدغن بودن به کار می‌رفته است. تابو امروزه نیز در فرهنگ و زبانهای دنیا همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و به اشکال گوناگون در فرهنگها و زبانهای بشری تجلی می‌کند. این نوشتار سعی دارد با بررسی برخی از متون ترجمه شده از زبانهای دیگر به فارسی به یک دسته بندی از انواع تابو، یعنی مواردی که طبق فرهنگ و قراردادهای اجتماعی جامعه ما پذیرفته شده نیست و بنابراین نباید در ترجمه به فارسی ظاهر شود، دست پیدا کند. در این مقاله دو نوع سانسور برشمرده شده که یکی توسط خود فرد (مترجم) اعمال می‌شود و دیگری توسط افراد، نهادها یا سازمانهای اجتماعی به مترجم منتقل و بر ترجمه اعمال می‌شود. این دو نوع سانسور در ارائه مثالهای موجود در تحقیق از هم مشخص شده اند. شیوه بررسی داده‌ها در این تحقیق بدین صورت بوده که ابتدا اصل مورد مشمول تابو از زبان مبدأ ارائه شده و سپس ترجمه نخستین مترجم فارسی آن ارائه گردیده و در وهله بعد ترجمه اصلاح شده آن که برای چاپ کتاب انتخاب شده ارائه شده است. پس از ارائه هر مثال معلوم کرده ایم که مورد مربوط به کدام دسته از تابوهاست و مترجم چه راهکاری را برای برخورد با تابو برگزیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متأسفانه مترجمین از راهکار حذف زیاد استفاده کرده اند که آسانترین طریق برخورد با تابوهاست. اما در برخی موارد هم بسته به تبحر و دانش خود از راهکارهای دیگری چون: استفاده از واژه شامل یا عام به جای مورد شمول یا خاص، جایگزین کردن واژه تابوی زبان مبدأ با نزدیکترین معادل غیرتابوی زبان مقصد هرچند که این دو واژه معانی و کارکردهای متفاوتی در دو زبان داشته اند) و ابداع واژه، عبارت یا حتی پاراگرافی از خود به جهت لطمه نخوردن به انسجام متن در زبان مقصد بهره برده اند. این که تابو و آنچه تابو محسوب می‌شود در زبانها و فرهنگهای متفاوت یکسان نیست سبب می‌شود که کار مترجمان بیش از پیش دشوار شود و گاهی (بخصوص زمانی که مترجم به اندازه کافی توانا نیست) ترجمه ای نامفهوم، مبهم یا غیرامین حاصل شود و به اصل معنایی که نویسنده متن اصلی قصد انتقال آن را داشته لطمه اساسی وارد شود.

کلید واژه ها: تابو، خودسانسوری، دگر سانسوری، قدرت، معادل یابی.

۱. پولینزی یا مجمع الجزایری در شرق استرالیاست.

مقدمه

کلمه تابو (taboo) در زبان انگلیسی در اواخر قرن هجدهم از کلمه تونگانی tabu گرفته شد. طبق گفته رادکلیف-برون در زبانهای پولینزیایی این واژه به معنای "ممنوع بودن" و "قدغن بودن" بوده است و می‌توانسته برای هر نوع ممنوعیتی به کار برود. هر قانون اخلاقی، هر دستوری که از سوی یک رئیس یا بالادست صادر می‌شده، هر حکمی که برای دخالت نکردن بچه‌ها در امور بزرگترها داده می‌شده، همه و همه مشمول تابو می‌شده و با این واژه (tabu) بیان می‌شده است (به نقل از آلان و باریج، ۲۰۰۶: ۱).

گرچه چنان که گفته شد این واژه بسط و گسترش خود را از پولینزی آغاز کرده ولی می‌توان ردها و اثرات آن را در همه جوامع یافت. ویژگی کلی تابو این است که اولاً تابو فرهنگ-وابسته است و ثانیاً تابوی مطلق وجود ندارد. توضیح درباره مورد اول اینکه چه چیز در یک فرهنگ و جامعه تابو محسوب می‌شود و میزان تابو بودن آن چقدر است و از فرهنگ و جامعه ای به فرهنگ و جامعه دیگر فرق می‌کند. ممکن است در برهه‌هایی از زمان تابوهای مشترک بین فرهنگها و جوامع مختلف دیده شود اما یقیناً در همان جوامع تابوهای بسیاری را می‌توان یافت که وجه مشترک ندارند؛ به عبارتی یا در هر دو فرهنگ و جامعه دیده نمی‌شوند یا اگر هم دیده می‌شوند میزان تابو بودن آنها یکی نیست. در مورد دوم می‌توان گفت که تابوها تابع زمان و مکان هستند. چیزی که امروز تابوست معلوم نیست که فردا هم تابو باشد، همچنان که بسیاری از چیزها که قبلاً تابو بودند امروز دیگر تابو محسوب نمی‌شوند. به علاوه بعضی تابوها مکان-وابسته هستند، به دو معنی یکی این که از کشوری به کشور دیگر متفاوتند که این مورد به گونه‌ای شبیه مورد اول- یعنی تابو های فرهنگ-وابسته به نظر می‌رسد و دیگر اینکه انجام یک کار ممکن است تنها در یک مکان یا مکانهای خاص تابو باشد و نه در همه جا؛ بنابراین در مورد آن نمی‌توان به طور اعم گفت که این مورد تابوست باید همواره قید محدودیت کرد. چنان که گفته شد تابوها همچون همه پدیده‌های دیگری که به انسان و اجتماع انسانی وابسته‌اند همواره در تغییر هستند. تغییرات تابو نیز چون تغییرات زبان گاهی سریع و گاهی کند است یا در برخی فرهنگها کند و در برخی تند است. دلایل تغییرات نیز بسیار متفاوت و گوناگون است. از مهم‌ترین این دلایل تغییرات اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و ارزشی در جوامع است که سبب بروز تغییر در تابوهای آن جامعه می‌شود. نمونه این تغییرات پذیرش همجنس‌گرایی در بسیاری از جوامع غربی است که تا قبول ازدواج افراد همجنس و دادن حق ارث و میراث به زوجین و فرزندان حاصل این ازدواجها پیش رفته است که این همه ناشی از انحطاط ارزشهای اخلاقی در این جوامع است. از این نوع تغییرات در تابو فراوان می‌توان مثال زد. به نظر می‌رسد به دلیل سرعت تغییر در دلایل یاد شده در برخی جوامع امروزی، سرعت تغییرات تابو نیز افزایش یافته است. به هر جهت بحث ما تا اینجا در مورد تابو به طور اعم بوده است.

می دانیم که تابو ها را به دو دسته تابوهای رفتاری و تابوهای زبانی می توان تقسیم کرد گرچه زبان خود گونه ای رفتار انسانی است ولی این گونه تقسیم بندی را بدان دلیل انجام داده اند که کار مطالعه تابوها آسان تر شود و یا بر اساس دغدغه و علاقه محققان مختلف امکان بررسی یک گونه از این دو گونه فراهم شود. بدین معنی که برای مثال جامعه شناسان و محققان علوم اجتماعی و مردم شناسان بیشتر به تابوهای رفتاری توجه می کنند و زبانشناسان به تابو های زبانی. تابوی رفتاری در واقع غدغن بودن انجام یک عمل یا رفتار در یک جامعه است و تابوی زبانی بیانگر ممنوعیت به زبان آوردن برخی واژه ها یا صورتهای زبانی است که این صورت ممکن است هر نوع واحد زبانی را شامل شود: گروه، بند، جمله و یا حتی گفتمان؛ نکته قابل ذکر دیگر در مورد تابو ها این است که تابو ها بر اساس درجه اهمیت خود، برای نقض کننده یا شکننده خود مجازاتهای متفاوتی به همراه می آورند. این مجازاتها از دو قسم هستند: قسم اول را خود فرد برای خود تعیین می کند و قسم دوم را فرد، نهاد یا حتی گروهی از مردم در یک جامعه برای فرد خاطی تعیین می کنند. مورد اول به این دلیل اتفاق می افتد که خود فرد به تابو بودن عملی که انجام داده باور دارد بدین جهت خود را مستحق مجازات می داند و به نوعی برای خود مجازات تعیین می کند؛ برای مثال خود را در خانه یا یک محل بسته دیگر زندانی و محدود می کند و از تماس و ارتباط با دیگران دوری می کند یا از خوردن و آشامیدن امتناع می ورزد. امروزه در برخی فرهنگها شاهد نمونه های عجیب دیگری از خود-تنبیهی هستیم. برای مثال یک مدت پیش در برنامه خبر تلویزیون ایران تصویر مردی هندی را نمایش دادند که با سگ خود ازدواج کرده بود و این مراسم به صورت رسمی در حضور اعضای خانواده، فامیل و دوستان مرد انجام شده بود و مرد علت این عمل خود را چنین توضیح داده بود که او در جوانی به آزار سگها می پرداخته و به دلیل رفتار نامناسب و احیانا وحشیانه ای که با سگها داشته احساس عذاب وجدان می کرده و حس می کرده که رفتار گذشته او در زندگی کنونی اش تأثیر بدی به جا گذاشته و او برای جبران خطای خود دست به این عمل زده است! حتی دیده شده که گاه نفوذ ذهنی تابو به حدی بوده است که فردی که خواسته یا حتی ناخواسته تابویی را شکسته خود از ترس مرده است! مورد دوم هم وقتی اتفاق می افتد که بخشی از جامعه یا همه افراد یک جامعه به تابو بودن یک چیز باور داشته باشند. در صورتی که کل افراد یک جامعه موردی را تابو بدانند و بر نوع مجازات آن متفق القول باشند ممکن است مجازات از سوی عموم تعیین شود ولی چنین مواردی عملا به ندرت اتفاق می افتد. معمولا قاعده این است که فرد، بخش، ارگان یا نهاد خاصی از جامعه در مورد نوع و میزان مجازات تصمیم گیری می کند. اما نکته مشخص این است که در بیشتر جوامع متمدن و قانونمند امروزی، کسانی مجری قانون مجازات هستند که قبلا به آنها مجوز اجرا داده شده باشد و در جوامع قدیمی تر یا حتی برخی از جوامع

امروزی مجریان قانون مجازات، افراد قدرتمند جامعه هستند. اساساً مسأله تابو همواره رابطه مستقیمی با قدرت و صاحبان قدرت، در جوامع انسانی داشته است. دور مراکز قدرت، همواره هاله تابو دیده می‌شود. بنا بر نظر روناش (۲۰۰۶) شاهان در جوامع قدیم یکی از مراکز مهم قدرت و در نتیجه یکی از واضعان تابو و مجازاتهای مربوط به شکستن تابوها بوده‌اند. در دوره‌های بسیار قدیم در برخی جوامع هر آنچه مربوط به شاه بود تابو بود و مردم عادی حق نزدیک شدن، لمس یا تملک آن را نداشتند حتی در پاره‌ای موارد افراد عادی حق به زبان آوردن آنچه را که مربوط به پادشاه بود هم نداشتند. همچنین در جوامع مردسالار قدیم، تابوهای قدرتمندی به نفع مردان برای زنان وضع می‌شد؛ برای مثال زنان حق بر زبان آوردن نام شوهر یا پدر شوهر خود را نداشتند. در تمام متون مقدس دوره باستان و میانه دین زردشتی زنانی "پادشا زن"، پارسا زن و قابل احترام دانسته شده‌اند که فرمانبردار مطلق همسران خود بوده‌اند و بعد از خدا همسر خود را خدا می‌دانسته‌اند و همواره تحت سالاری همسران خود بوده‌اند. زنانی که این فرمانبرداری مطلق را نداشتند مستحق مجازاتهای متفاوت در این دنیا و عذاب دوزخ در آن دنیا دانسته شده‌اند (میرفخرایی، ۱۳۷۱: ۸۸). البته نمونه‌هایی از چنین تابو‌هایی هنوز هم در برخی جوامع مشاهده می‌شود. در مورد به زبان نیابردن نام پدر شوهر برای مثال هنوز هم در فرهنگ چینی چنین مواردی مشاهده می‌شود (کدنگ و شیفتنگ، ۲۰۰۷).

نکته جالب دیگر در مورد تابو این است که مطالعات نشان داده‌اند تابوهای دینی - مذهبی همواره در طول تاریخ بشری جزء قدرتمندترین تابوها محسوب شده و همواره شدیدترین مجازاتها را برای ناقضان و شکنندگان خود به دنبال داشته‌اند. به عنوان نمونه از انواع این تابو در عصر حاضر می‌توان تابوی زنا را محصنه که در اسلام مجازات آن سنگسار شدن است ارائه کرد. همچنین است موارد بسیاری از کشتن، مثله کردن یا سوزاندن افرادی را در طول تاریخ شنیده‌اند که به دلیل باور متفاوت از سوی اربابان کلیسا (بخصوص در قرون وسطی) یا بزرگان دیگر ادیان، گناهکار شمرده شده و مستحق چنان مجازاتهایی شده‌اند. این امر هم با توجه به ماهیت تابو چندان دور از انتظار نیست، چون در بسیاری جوامع، وجه مقدس تابوها همواره غالب بوده و هست؛ بدین معنی که افراد این جوامع بین برخی چیزها و پدیده‌ها و امور ماورایی و مقدس رابطه برقرار می‌کنند و همین ارتباط با ماوراء و امور مقدس منجر به شکل‌گیری تابو می‌شود. برای مثال این که گفتیم در برخی جوامع قدیم هرآنچه مربوط به پادشاه بود تابو به شمار می‌رفت به این علت بود که مردم آن جوامع پادشاه را نماینده خدا روی زمین می‌دانستند و بدین جهت او و هر آنچه را مربوط به او بود مقدس تلقی می‌کردند. شکستن و نقض تقدسها هم همواره چه از سوی شخص و چه از سوی جامعه امری غیر قابل بخشش دانسته می‌شده و بدین جهت مجازاتهای سنگین داشته است.

۲. تابو در متون ترجمه شده به فارسی

تابو در حوزه ترجمه نمودی بارز دارد. برخی محققان حوزه زبانشناسی و ترجمه به شکل افراطی به ترجمه ناپذیری متون از زبانی به زبان دیگر رأی داده اند. برخی دیگر به طریقی نسبی به مسأله نگاه کرده اند و گروهی نیز بر این باورند ارتباط بی واسطه ذهن آدمیان میسر است پس ترجمه نیز ممکن است. حتی گاه متن ترجمه شده برتر از نوشته مبدأ پیش می رود و خود آفرینشی دوباره می شود، با چارچوب و عناصر خاص خود و این بحث پیش می آید که ترجمه فن است یا هنر، یا هنری است که فنون خاص خود را می طلبد، که این بحث از حوصله این نوشتار خارج است.

بنا بر اصول رایج، ترجمه خوب نیز فونونی دارد و راهکارهایی. یکی از آن راهکارها معادل‌یابی است؛ معادل‌هایی شایسته، امین و بایسته از زبان مبدأ به مقصد، از یک سو تا آنجا که توان، مهارت و دانش زبانی مترجم به او اجازه می دهد و از سوی دیگر تا آنجا که زیر ساخت و شرایط بارز و عینی جامعه ای که مترجم در آن زندگی می کند به او اجازه و امکان می دهد. در برخورد با وجه دوم است که مسأله تابو و اهمیت آن در ترجمه بروز پیدا می کند، که موضوع نه چندان آسان ترجمه را دشوارتر می نماید.

واژه ای به دلایلی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، دینی یا اجتماعی در جامعه ای تابوست و در جامعه ای دیگر نه. حتی گاه مسأله از این هم پیچیده تر است، نویسنده ای هرچند قوی و وزین، اصولاً تابوشکن است و سبک نوشتار او به گونه ای است که کمتر بوی خود سانسوری می دهد و آن نویسنده اساساً به رعایت تابوهای مورد پذیرش اجتماع خود اعتقادی ندارد، بنابراین ترجمه متون او برای مترجمی با فرهنگی متفاوت و ابزار کار محدودتر، یعنی زبانی تابورده تر، بسیار دشوار می نماید. هر فرد از افراد یک جامعه معمولاً به هنجارهای پذیرفته شده اجتماع خود پایبند است، بدین جهت چنانچه با تابویی برخورد کند در وهله اول خود اقدام به سانسور می نماید، به عبارتی سعی می کند رفتار و گفتار خود را منطبق با باورهای رایج آن اجتماع بکند که اگر چنین نکند و هرچه را که می خواهد و به ذهنش می رسد بر زبان آورد از نظر اجتماع خود فرد نامتعادلی محسوب خواهد شد (آلان و باریج، ۲۰۰۶: ۳۰). لایه دوم سانسور از سوی برخی افراد، نهادها یا گروه‌های اجتماعی بر رفتار و گفتار افراد جامعه اعمال می شود به نوع اول خود سانسوری^۱ و به نوع دوم دگرسانسوری^۲ گفته می شود.

هدف ما بررسی این جنبه از نمود زبانی تابو در ترجمه از زبانهای دیگر به فارسی است و مشکلاتی که مترجم فارسی زبان با آن دست به گریبان است و راهکارهایی که برای گریز از این دام می اندیشد یا می تواند

1. censoring
2. censorship

بیندیشد؛ برای مثال معادل‌هایی که در زبان فارسی برای واژه‌هایی از زبانهای دیگر که در فارسی تابوست از سوی مترجمان انتخاب می‌شود، گرچه همیشه تابو به واژه‌ها محدود نمی‌شود. مشکل وقتی اساسی‌تر است که تابو موضوعی است و دامنه وسیعی تری دارد و گاه یک عبارت، جمله، پاراگراف یا حتی کل یک نوشته یا کتاب را شامل می‌شود. در این موارد انتخاب راهکار مناسب ساده نیست و هر مترجمی بنا به شدت تابو و میزان خودسانسوری راهی را برای گریز از این مشکل پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد مسأله تابو در ترجمه به فارسی را می‌توان تا حدودی به حوزه‌ها و دسته‌های مشخصی طبقه‌بندی کرد که ما آن را به صورت زیر ارائه می‌کنیم:

۱. روابط خصوصی زن و مرد، چه مشروع و چه نامشروع، و واژه‌های مرتبط با آن؛ مانند، بوسیدن، همبستر شدن، هم‌آغوشی، خیانت و ...؛
۲. روابط آزاد دختر و پسر قبل از ازدواج؛ مانند دوست پسر، دوست دختر و غیره...؛
۳. نام بردن اندامهای تناسلی و واژه‌های مرتبط با آن؛
۴. به کار بردن نام هر چیز یا هر عملی که به مشروبات الکلی و مواد مخدر مرتبط است؛
۵. واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه؛ مانند فحش و ناسزا؛
۶. بیان ویژگی‌های بد رفتاری یا عادات بد اجتماعی؛ مانند دزدی و غیره...؛
۷. بیان مسائل و باورهای دینی، اعتقادی و فلسفی که با باورهای جامعه مترجم تضاد داشته باشد؛
۸. بیان برخی مسائل سیاسی که به نوعی تهدید کننده منافع جامعه یا باعث بی‌ثباتی جامعه مترجم شود، همچنین نسبت دادن برخی خصوصیات به شغلهای کلیدی جامعه؛ مانند ریاست جمهوری.

در ادامه، نمونه‌هایی از متن‌های ترجمه شده به فارسی را به همراه متن اصلی اثر می‌آوریم. بیان چند نکته در مورد این داده‌های لازم است. اول این که از آنجا که نگارندگان به دلیل ارتباط با بنگاه‌های انتشاراتی در جریان تغییرات این ترجمه‌ها جهت پذیرش برای چاپ از سوی ناشران بوده‌اند هم ترجمه اولیه مترجمین و هم ترجمه اصلاح شده و پذیرفته شده برای چاپ را ارائه داده‌اند. آثار انتخاب شده مربوط به سالهای اخیراند؛ بنابراین نشان دهنده وضعیت کنونی تابوها در جامعه ما هستند؛ نکته دوم اینکه شاید شیوه ارائه داده‌ها به نظر برخی مناسب به نظر نرسد. ممکن است توصیه شود که ابتدا نمونه ارائه شود و سپس منبع آن معلوم گردد اما از آنجا که از برخی کتابها بیش از یک مثال انتخاب شده نگارندگان ترجیح داده‌اند ابتدا نام کتاب و مشخصات آن و سپس خود نمونه‌ها را ارائه دهند. با در نظر گرفتن نکات بالا به سراغ داده‌ها و تحلیل آنها می‌رویم.

کتاب "سؤال" اثر دکتر گرگوری استاک، (ترجمه میترا کیوان مهر، نشر علم، ۱۳۸۵).

Do you prefer being around men or women?

ترجمه نخست: ترجیح می دهید با مردان باشید یا با زنان؟

ترجمه اصلاح شده: ترجیح می دهید دوستان شما چه کسانی باشند؟

این مثال از دسته اول از طبقه بندی هشتگانه تابوهاست. چنان که ملاحظه می شود با عام تر کردن اسامی موجود در متن و تغییر فعل جمله، معنای جمله تغییر کرده و از اصل بسیار فاصله گرفته است.

When was the last time you stole some thing? Why haven't you stolen any thing since then?

ترجمه نخست: آخرین باری که چیزی سرقت کردید چه وقت بود؟ چرا از آن زمان تاکنون چیزی نذریده اید؟

ترجمه اصلاح شده: آخرین باری که کار بدی کردید چه وقت بود؟ چرا از آن زمان تاکنون آن کار را تکرار نکرده اید؟

در این مورد "سرقت کردن" تابو دانسته شده و به جای آن از اسم عام تر یعنی "کار بد" استفاده شده است. مورد مربوط به دسته ششم از طبقه بندی هشتگانه ماست.

Would you be willing to give up sex if you could have wonderfully sensual and erotic dreams any night you wished?

ترجمه نخست: اگر هر شب خوابهای جنسی ببینید حاضر هستید برای همیشه از روابط جنسی دست بردارید؟

در این مورد ترجمه نخست مترجم نیز تعدیل و واژه های sensual و erotic به معنی "شهوایی" به طور مستقیم ترجمه نشده بود. با این حال این ترجمه پذیرفته نشد چون عباراتی زیرا having sex, erotic و sensual تابو محسوب می شدند. مترجم در نهایت این سؤال را از مجموعه سؤالهای کتاب حذف کرد. مورد مربوط به دسته اول از طبقات هشتگانه است.

If you went to a beach and it turned out to be a nude beach, would you stay and go swimming, would you swim nude?

ترجمه نخست: اگر در ساحلی باشید که همه آنجا عریانند، آیا می مانید و شنا می کنید؟ آیا برهنه شنا می کنید؟

در مورد بالا نیز "برهنه و عریان شنا کردن" تابو محسوب شده و مترجم ناگزیر این سؤال را حذف کرده است. مثال از دسته ششم موارد تابوست.

Can you urinate in from of another person?

ترجمه نخست: آیا می‌توانید در مقابل دیگران ادرار کنید؟

در این مورد نیز عبارت "در مقابل دیگران ادرار کردن" تابو دانسته شده و مترجم این سؤال را هم حذف کرده است. مورد از دسته ششم از تابوهاست.

While in the government you discover the president is coming extortion...

ترجمه نخست: مدتی که در دستگاه دولتی کار می‌کنید متوجه می‌شوید که رئیس جمهور اقدام به اخاذی کرده ...

ترجمه اصلاح شده: مدتی که در دستگاه دولتی کار می‌کنید متوجه می‌شوید که رئیس شما اقدام به اخاذی کرده ...

در این مثال نسبت دادن اخاذی به رئیس جمهور تابو دانسته شده و به جای آن از واژه عام "رئیس" استفاده شده است که شاید به کلیت سؤال لطمه ای وارد نکرده ولی به هر حال این سؤال دیگر سؤال متن مبدأ نیست. این مورد از دسته هشتم از طبقه بندی هشتگانه تابوهاست.

Given the choice of any one in the world, whom would you want as your dinner guest? As your close friend? As your lover?

ترجمه نخست: از میان مردم جهان ترجیح می‌دهید با چه کسی شام بخورید و یا به عنوان دوستی صمیمی یا معشوق خود بخوانید؟

ترجمه اصلاح شده: از میان مردم جهان ترجیح می‌دهید با چه کسی شام بخورید؟ و یا به عنوان دوست صمیمی یا همسر خود بخوانید؟

در این جا واژه lover به معنای "معشوق" تابو محسوب شده و مترجم "همسر" را جایگزین آن کرده است که به لحاظ معنا و تلویح و توزیع، بسیار متفاوت از واژه اول است؛ بنابراین جایگزین مناسبی نیست. شاید در این مورد می‌شد از واژه "دلدار" یا "نگار" استفاده کرد که به معنای واژه مبدأ نزدیکتر است. مورد مربوط به دسته دوم از طبقه بندی تابوهاست.

How would you react if you were to learn that your mate had a lover of the same sex before you knew each other?

ترجمه نخست: اگر بفهمید همسر شما پیش از ازدواج همجنس باز بوده است عکس العمل شما چیست؟ در اینجا واژه "همجنس باز" تابو محسوب شده و مترجم ظاهراً نتوانسته جایگزین مناسبی برای آن بیابد به همین دلیل کل جمله را حذف کرده است. مورد مربوط به دسته ششم از طبقه بندی تابوهاست.

What was your best experience with drugs or alcohol? Your worst experience?

ترجمه نخست: بهترین تجربه شما در رابطه با مواد مخدر و الکل چه بوده است؟ بدترین تجربه تان؟ در این مورد نیز وجود دو واژه "مواد مخدر" و "الکل" در این ترجمه تابو دانسته شده و مترجم از آن جا که جایگزین مناسبی برای آنها پیدا نکرده این سؤال را نیز حذف کرده است!

کتاب "یک زندگی" اثر گی دو موپاسان، (ترجمه کیومرث پارسای، نشر علم، ۱۳۸۵).

نخست باید گفت در هر جای این کتاب که واژه "شراب" به فارسی ترجمه شده در ترجمه اصلاحی با واژه "نوشیدنی" جایگزین شده است. حتی در موردی که منظور نویسنده مردی بوده که پس از نوشیدن شراب و مست شدن دست به کارهای غیرمعمول، حتی قتل، می زده و جایگزین کردن "نوشیدنی" به جای "شراب" به راستی به داستان لطمه می زده همچنان این تغییر انجام شده است. بالطبع هیچ آدمی پس از نوشیدن نوشیدنی دست به انجام اعمال خلاف عرف و قانون و به طور کلی نامعقول نمی زند!

اینک نمونه های دیگری از مشکلات ترجمه این کتاب در ارتباط با واژگان تابو در ترجمه :

Alors il se mit à petits baisers rapides sur la tempe et sur le cou, là où frisaient les premiers cheveux. Saisie chaque fois par ces baisers d'homme auxquels elle n'était point habituée, elle penchait instinctivement la tête.

ترجمه نخست: سپس مرد جوان او را در آغوش گرفت و تند تند بوسه هایی از صورت و شقیقه و گردنش برداشت. دختر که به این گونه بوسه ها و نوازش عادت نداشت، در هر بوسه سرش را به سوی دیگر می چرخاند.

ترجمه اصلاح شده: آنگاه هر دو حرکت کردند و به سوی مکانی رفتند که در نهایت به جنگلی بزرگ می پیوست. در عین حال همچنان با هم حرف می زدند.

در نمونه بالا عبارات "در آغوش گرفتن"، "بوسه برداشتن و نوازش کردن" در مورد جنس مخالف تابو تلقی شده و مترجم ناچار به حذف پاراگراف شده و برای آن که انسجام متن به هم نخورد یک پاراگراف از خودش ابداع کرده است! مورد مربوط به دسته اول از تابوهاست.

Aussitôt la prit en ses bras, bien qu'elle lui tournât le dos, et il baisait voracement son cou. . .

ترجمه نخست: ژولین هم از پشت او را بغل کرد و در آغوش گرفت و با ولعی خاص او را بوسید.

در این قسمت هم عبارات "بغل کردن، در آغوش گرفتن و بوسیدن" تابو محسوب شده و مترجم این قسمت را حذف کرده است. این مورد نیز مربوط به دسته اول تابوهاست.

در چند جای دیگر کتاب هم به علت ظاهر شدن همین عبارات و عبارتهای مشابه در ترجمه، ترجمه مشمول اصلاح شده و مترجم یا آنها را تغییر داده یا کلاً حذف کرده است که به دلیل شباهت موارد با مثال یاد شده از آوردن آنها صرف نظر می‌کنیم.

کتاب "واگر حقیقت داشت ... " اثر مارک لوی، (ترجمه الهام (فهیمة) دارچینیان، نشر علم، ۱۳۸۴).

Non, vous n'avez pas l'air d'une pute, mais vous êtes juste cachée dans mon dressing à Presque minuit.

ترجمه نهایی: نه شما شبیه دخترهایی که خودفروشی می‌کنند نیستید، اما نصف شب است و شما در کمد لباس من مخفی شده اید.

در این مثال برای ترجمه واژه pute معادل bitch انگلیسی از واژه "خودفروش" استفاده شده که چندان معادل دقیقی نیست. معادل واقعی آن حتی از نظر خود مترجم هم تابو بود به جهت مترجم معادلهایی چون "بدکاره" یا "هرزه" را پیشنهاد داده بود که آنها هم مورد پذیرش قرار نگرفتند و در نهایت معادل "خودفروش" برای آن انتخاب شد که واژه ای بسیار تلطیف شده تر بود و در عین حال به نظر می‌آمد لطمه چندان به منظور نویسنده وارد نمی‌کند. مورد مربوط به دسته چهارم از تابوهاست.

Ecoute Saloprie

ترجمه نخست: گوش کن حرامزاده لعنتی!

در این مورد هم ترجمه saloprie به "حرامزاده" هرچند ترجمه تعدیل شده آن است، ولی تابو محسوب شده و مترجم این عبارت را حذف کرده است. مورد از دسته پنجم از تابوهاست.

Paul, je ne crois pas en Dieu

ترجمه نخست: پل، من به خدا اعتقاد ندارم...

ترجمه اصلاح شده: پل، من چندان آدم مؤمنی نیستم.

چنانکه ملاحظه می‌شود "بیان بی اعتقادی به خدا" در مثال بالا تابو تلقی شده و به جای آن "مؤمن نبودن" جایگزین شده که البته معنای جمله را عوض کرده است ولی مترجم حفظ جمله به قیمت تغییر معنا را بر حذف کل جمله ترجیح داده است.

این مثال از موارد تابوهای اعتقادی-مذهبی و بنابراین متعلق به دسته هفتم از تابوهاست.

Comment on peut faire l'amour avec une âme...

ترجمه نخست: چگونه می‌توان با یک روح هم آغوش شد ...

ترجمه اصلاح شده: چگونه می‌توان با یک روح در آمیخت...

در این مورد ترجمه "faire l'amour" به "هم آغوشی" یا "معاشقه" تابو دانسته شده و مترجم از "درهم امیختن" استفاده کرده است که تا حدودی منظور نویسنده را می‌رساند. مورد مربوط به دسته اول از تابوهاست.

کتاب "بانوی شکسته" اثر سیمون دوبوار (ترجمه الهام (فهمیه) دارچینیان، نشر فردوس، ۱۳۸۲).

Ils ont remonté à pied le boulevard jusqu'à une grande brasserie.

ترجمه نخست: تا آخر بلوار پیاده رفتند تا به در یک آبجو فروشی بزرگ رسیدند.

ترجمه اصلاح شده: تا آخر بلوار رفتند تا به یک کافه رسیدند.

در این مثال ترجمه "brasserie" یعنی "آبجو فروشی" تابو دانسته شده و واژه "کافه" جایگزین شده است که خود خارجی است. تفاوت این دو واژه در این است که در دومی ویژگی (+ وجود مشروبات الکلی) ضرورتاً وجود ندارد. پرواضح است که امکان جایگزین کردن واژگانی چون "قهوه خانه" یا "چایخانه" در این بافت وجود نداشته است چون این دو حامل ویژگی فرهنگی خاصی هستند که باعث می‌شود کاربریشان در مورد جوامع غربی کاملاً نامناسب به نظر آید و ناساز. این مورد مربوط به دسته چهارم از انواع تابوست.

Il a couché avec ces femmes ; mais ne m'aimait-il pas ?

ترجمه: با این زن‌ها رابطه داشته؛ اما آیا این بدان معنی است که دیگر مرا دوست نداشته؟

در این مورد مترجم با دانستن این امر که به کاربرد عبارت "خوابیدن با زن‌ها" در فرهنگ ما تابو محسوب می‌شود، دست به خودسانسوری زده و به جای آن "رابطه داشتن با زن‌ها" را استفاده کرده است که باز مفهومی کلی‌تر به حساب می‌آید و از قبح مطلب می‌کاهد.

مورد مربوط به دسته اول از انواع تابوست.

Il a bu deux verres de whisky au lieu d'un et fumé cigarette sur cigarette.

ترجمه نخست: به جای یکی، دو لیوان ویسکی نوشید و سیگار روی سیگار کشید.

ترجمه اصلاح شده: سیگار روی سیگار کشید.

در مثال بالا "ویسکی نوشیدن" تابو دانسته شده و چون به کاربرد واژه "نوشیدنی" به جای آن مناسب تشخیص داده نشده کل بند حاوی آن حذف شده است. مثال مربوط به دسته چهارم از انواع تابوست.

کتاب "دوران جهانی" اثر ادگار مورن (ترجمه دکتر عباس باقری، نشر علم، ۱۳۸۵).

متأسفانه دسترسی به متن اصلی این کتاب، به زبان فرانسه، میسر نشد. اما از آنجا که نگارندگان در جریان اصلاح و نشر ترجمه کتاب بودند دو مورد از مواردی را که مشمول اصلاحات شده بودند در اینجا می‌آوریم. یکی از این موارد حذف پاراگراف زیر بود:

"کشف این مهم که حقیقت تغییرناپذیر نیست بلکه ناپایدار است یکی از بزرگترین، زیباترین و شورانگیزترین کشفهای ذهن بشر است. هر زمان می‌توان به تمامی حقیقت‌های مسلم شک کرد. اما شک گرایی نامحدود، عامل نابودی اش را در خود دارد زیرا گزاره "حقیقت وجود ندارد" در واقع فوق حقیقتی است درباره نبود حقیقت، فوق حقیقتی است که به شکل جازم و مطلق همان حقیقت‌هایی در آمده که خود به نام شکاکیت محکوم شان می‌داند."

علت حذف این پاراگراف در این مضمون "شک گرایی" بود. مثال مربوط به تابوهای اعتقادی مذهبی و بنابراین دسته هفتم از تابوهاست.

مورد دوم حذف شعری است که در ذیل می‌آید:

"چشمان من جستجو می‌کنند

آنچه را که وادارمان می‌کند کفش از پاهامان در آوریم

تا ببینیم آیا چیز دیگری زیر آنها هست

که نگهدار ما باشد

یا پرنده ای اختراع کنیم

تا دریابیم که آیا هوایی وجود دارد

یا جهانی بیافرینیم

تا بدانیم که آیا خدایی هست

یا کلاه مان را برسر گذاریم

تا اطمینان یابیم که وجود داریم"

شعر متعلق به روبرتو خوآرز است که اشعاری از او به فارسی ترجمه و چاپ شده است. اما این شعر او که در کتاب "دوران جهانی" آمده به دلیل وجود این قطعه "یا جهانی بیافرینیم تا بدانیم آیا خدایی هست" در آن تابو تشخیص داده شده و در ترجمه نهایی کل شعر حذف شده است. این مورد هم مثل مثال اول از جمله تابوهای دینی است و متعلق به دسته هفتم از طبقات هشتمین تابوهاست.

کتاب "صدو یک راز موفقیت در زندگی زناشویی" اثر لیندا و چارلی بلوم، (ترجمه ویدا اسلامی، نشر علم،

۱۳۸۵):

His sucks were smelly.

ترجمه نخست: جورابه‌هایش بو می داد.

در این جمله "بو دادن جورابه‌ها" تابو دانسته شده و مترجم جمله مزبور را حذف کرده است! این مورد اخیر به نظر نگارندگان عجیب می آید چون حداقل در نگاه ما "بودادن جوراب" تابو محسوب نمی شود مگر این که جوراب متعلق به فرد بسیار بلند مرتبه ای باشد که حتی نسبت دادن بوی جوراب به او تابو باشد! شاید هم این جمله به صورت تصادفی حذف شده است!

۳. نتیجه گیری

در این نوشتار سعی شد انواع موارد تابو در ترجمه به فارسی مشخص شود و راهکاری که توسط مترجم برای غلبه بر تابو به کار گرفته شده نیز ارائه گردد. بررسی داده ها نشان دادند غالب موارد تابو مربوط به دسته های اول، دوم، چهارم و ششم هستند. البته نباید موضوع کتابهای ترجمه شده در این تحقیق را از نظر دور داشت. این کتابها غالباً داستان یا متون اجتماعی بوده اند در حالی که اگر کتابهای سیاسی برای مثال، انتخاب می شدند شاید موارد بسیاری از حذف سیاسی را شاهد بودیم. اما نکته جالب دیگر اینکه درست است موارد تابوهای اعتقادی - مذهبی خیلی زیاد نبود اما در صورتی که موردی از آن وجود داشت غالباً راهکاری جز حذف در موردشان وجود نداشت. این دسته از تابوها تنها دسته ای بودند که برای رفع تابو از آنها از راهکارهای دیگر چون تغییر، تعدیل، جایگزینی به ندرت (یک مورد) استفاده شده بود که آن هم با تغییر معنایی زیاد همراه بود. این امر قدرت تابوهای اعتقادی - مذهبی را، چنانکه در مقدمه بحث مطرح شد، مورد تأیید قرار می دهند. از دسته سوم از تابوها هم در این متون هیچ موردی مشاهده نشد و از ابداع واژه، عبارت و پاراگراف و جایگزین کردن آن با واژه، عبارت و یا پاراگراف زبان مبدأ هم در این متون به ندرت استفاده شده بود. دیگر این که دو نوع سانسور در مورد تابوها وجود داشت. یکی خودسانسوری بود که در بسیاری موارد قبل از حکم سانسور بنگاه انتشاراتی توسط خود مترجم در ترجمه اعمال شده بود (در این مورد افراد بسته به نوع باورها، محیط و خانواده ای که در آن رشد و نمو پیدا کرده اند به میزانهای متفاوت دست به خودسانسوری می زنند؛ به عبارت دیگر چیزی که از نظر یک فرد ممکن است تابو به نظر برسد لزوماً از نظر یک فرد دیگر تابو نیست یا حداقل اگر از نظر اولی تابو از نوع تابوی قوی است و تنها با حذف قابل رفع است از نظر دومی ممکن است با تغییر و کمی تلطیف قابل رفع باشد) و دیگری دگر سانسوری بود که توسط بنگاه انتشاراتی به مترجم انتقال یافته و در ترجمه اعمال شده بود. رویهمرفته بررسی مثالهای ارائه شده نشان می دهد مترجمان ما از راهکار حذف (که ساده ترین راهکار برخورد با تابوست) فراوان استفاده می کنند (علت این امر در ضعف مترجمین است یا در

قدرت تابوها و عدم وجود جایگزین بومی مناسب، که نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد) گرچه که مواردی از تغییر، به صورت استفاده از عبارت عام یا شامل به جای صورت خاص یا مورد شمول، مثلاً "کار بد" به جای "زدی" یا "نوشیدنی" به جای "نوشیدنی الکلی"، تلطیف صورت، مثل "خودفروش" به جای "فاحشه"، یا شاید "مؤمن نبودن" به جای "ملحد بودن و به خدا اعتقاد نداشتن" یا استفاده از نزدیک‌ترین معادل پذیرفته در فرهنگ بومی به جای واژه خارجی، مثل استفاده از واژه "همسر" به جای "معشوق" یا "نامزد" به جای "دوست دختر" یا "دوست پسر" و امثال آن هم توسط مترجمین محترم استفاده شده بود. در حالی که بیشتر این تغییرات و حذف‌ها به از دست رفتن، تغییر کلی یا جزئی معنا یا از دست رفتن انسجام و پیوستگی متن منجر شده بود و به محصول عمل ترجمه صدمات زیادی زده بود. حال باید اندیشید که چگونه می‌توان با این پدیده به گونه‌ای برخورد کرد که حداقل صدمه به متن اصلی و معنا و انسجام متن وارد شود. شاید یکی از عوامل، تسلط کامل مترجم به متن زبان مقصد (در اینجا فارسی) باشد که می‌تواند کمک کند که حداقل حذف را داشته باشیم و بهترین تغییرات و جایگزین‌سازیها را در مورد معادل یابی واژگان. اما این راهکار همیشه کارساز نیست. به نظر می‌رسد گاهی قدرت تابوها در زبان مقصد به حدی است که برایش جایگزینی وجود ندارد و راهی جز حذف نیست. این حقیقت ما را بر آن می‌دارد که بیندیشیم شاید بهتر است مترجمین قبل از شروع ترجمه، متن مبدأ را به دقت مطالعه کنند و وضعیت کتاب انتخابی خود را از جهت میزان و نوع تابوهای موجود در آن ارزیابی مقدماتی کنند و چنانچه میزان تابوها زیاد یا نوع آنها از نوع تابوهای قدرتمند بود بهتر آن که از ترجمه آن چشم‌پوشند. این حقیقت را در مورد فیلم‌های سینمایی نیز شاهدیم. گاهی از یک فیلم پس از سانسور چیزی جز مجموعه‌ای از تصاویر گنگ و مبهم بی‌ارتباط به هم که هیچ انسجام و پیوستگی ندارند باقی نمی‌ماند. گاهی نیز پس از سانسور انگار فیلم جدیدی تولید می‌شود که با فیلم اصلی تنها شباهت نام دارد! به راستی اگر میزان تابوهای این فیلمها به آن اندازه بالاست چرا از دوبله و پخش آنها چشم‌پوشی نمی‌شود؟ این همه صرف هزینه و نیرو و انرژی برای کاری که نه صورت دارد نه معنا چه منطقی دارد؟ در مورد ترجمه کتاب نیز به راستی باید بیندیشیم که آیا این کتاب پس از لحاظ کردن انواع سانسور ارزش انتشار دارد؟ اگر جواب مثبت بود شروع به کار کنیم. البته تمام هم خود را برای ترجمه کامل متن مبدأ و یافتن معادل‌های مناسب به کار ببریم و راهکار حذف را به عنوان آخرین راهکار به کار بگیریم.

منابع

- استاک، گرگوری؛ (۱۳۸۵). *سؤال*؛ ترجمه میترا کیوان مهر، نشر علم.
- بلوم، لیندا و بلوم، چارلی؛ (۱۳۸۵). *صلو یک راز موفقیت در زندگی زنشویی*؛ ترجمه ویدا اسلامیه، نشر علم.
- دوبوار، سیمون؛ (۱۳۸۳). *بانوی شکسته*؛ ترجمه الهام (فهمیه) دارچینیان، نشر فردوس.
- لوی، مارک؛ (۱۳۸۴). ... *واگر حقیقت داشت*؛ ترجمه الهام (فهمیه) دارچینیان. نشر علم.
- مویسان، گی دو؛ (۱۳۸۵). *یک زندگی*؛ ترجمه کیومرث پارسای، نشر علم.
- مورن، ادگار؛ (۱۳۸۵). *دوران جهانی*؛ ترجمه دکتر عباس باقری، نشر علم.
۷. میرفخرایی، مهشید؛ (۱۳۷۱). *بررسی هادخت نسک*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). چاپ اول.

- Allan, K. & Burrige, K. (2006). *Forbidden Words*. Cambridge University Press.
- De Beauvoir, S. (1967). *La femme rompue*. Edition Gallimard.
- Kedong, L. & Shifang, Z. (2007). 'A Contrastive Study of Kinship Terms'. In *Intercultural Communication: Research and Exploration*. PP.101-116.
- Levy, M. (2000). *Et si c'était vrai*. Edition Robert Laffont.
- Maupassant, G. (1974). *Une Vie*. Edition Gallimard.
- Reinach, S. (2006). "De l'origine et de l'essence des tabous"
- Retreived from : <http://www.psychanalyse-paris.com/De-l-origine-et-de-l-essence-des.html>